

## تعلیمی از حماسه

## کور اغلو

یرژی چیچک

برگردان: یعقوب آژند

مبارزات مستمر ضد خانخانی، فروپاشی کامل انواع قدرت‌های متمرکز و قانون‌زور و جور مقتدران (در خارج از آسیای میانه‌نیز) از عوامل عمده نهضت‌های مردمی برشمرده می‌شد. (۱) گروه‌های شورشگر رابطه نزدیکی با توده مردم داشتند و اعضای بیشتر این گروه‌ها، نه از میان طبقه زمین‌دار و ثروتمند، بلکه از میان توده مردم بودند. ادبیات عامیانه در وجه کلی هود این نوع شورش‌ها را هرگز رد نکرده است. از این رو بازتاب این شورش‌ها را می‌توان در ادبیات عامیانه به نیکی دریافت. در این مقام آرای بی‌طرفانه و نقادانه و یا داورهای عینی را در خصوص این شورش‌ها برمی‌نگریم.

در نگاه نخست باید به خاطر داشت که چرخه‌حماسی قصه شورش کور اوغلو (۲) دقیقاً یک چرخه حماسه ترکی شرق و یا به طور کلی ترکمنی است. در حقیقت داستان‌های حماسی کور اوغلو در سنت عامیانه تاجیکستان، می‌رساند که حیات فرهنگی تاجیک پس از ارتباط با غرب ایران، با فعالیت‌های فرهنگی اقوام ترک نژاد شرق بخصوص ازبکان و ترکان پیوند نزدیک برقرار کرده است.

حماسه عامیانه کور اوغلو در تاجیکستان با روایات گوناگونی شناخته شده است. این حماسه‌ها در شمال تاجیکستان منثور است (به احتمال تحت تأثیر روایات ازبکی) و در مناطق دیگر براساس گرایش ایرانی، منظوم است. اشعار حماسه کور اوغلو موزون نیست، بلکه بیشتر از حروف مصوت شکل گرفته است. حماسه کور اوغلو را همچون شاهنامه خواننده‌ای با «دوتار» و شیوه خاصی بازخوانی می‌کرده است (۲). مخاطبان که ممولاً شمار آنها بیست تا سی نفر بودند، دور خواننده گرد می‌آمدند و مدت هفت، هشت ساعت بی‌وقفه به این حماسه گوش می‌سپردند، بازخوانی این اشعار با ریتم تند صورت می‌گرفت و طرح داستان به سرعت گسترش می‌یافت و خواننده در موقع اجرا به شور و شوق می‌آمد. این حالت اغلب بابدیه سرایی همراه بود.

جالب نظر اینکه خود کور اغلو همچون کیکاووس در شاهنامه و یا ولادیمیر در بیلیناس (Bilinas) روسیه در عملیات یا لشکرکشی و نبرد شرکت نمی‌جست. کور اوغلو به طور کلی در گیراندن قصه که با وقایع مجزایی به هم پیوند می‌خورد، نقش فعالی داشت. خواننده یا «ساقی» هم در چرخه‌حماسی کرد و کاری مشابه داشت.

طرح اصلی چرخه حماسی کور اوغلو، به طور خلاصه به قرار زیر است:

وجود کار و عدالت در یک منطقه خیالی به نام چمول (Chabmul) یا چمبیل (Chamjbil) که هجم شماری از شاهان ستمگر و بخصوص کشور پادشاه تراب و ریحان عرب (اصطلاح عرب به احتمال یاد آور حمله عربان است) آن را تهدید می‌کند. دشمنان بیگانه با اشراف خائن محلی همچون احمدخان، متحد می‌شوند. این دشمنان داخلی به احتمال یادآور اختلافات طبقاتی است. ولی مردم چمبول، یک تنه به همراهی رهبران قهرمان به دفاع رهبران قهرمان به دفاع برمی‌خیزند و به ضد حمله دست می‌زنند و آزادیشان را پاس می‌دارند. حق و عدالت پیروز می‌شود، شخصیت محوری در چرخه حماسی کور اوغلو، عوض (که اغلب عیوض خان نامیده می‌شود) است که از اشراف نیست، بلکه فرزند یک قصاب است. اختلاف بین توده مردم و اشراف در وقایعی چهره می‌نماید. از جمله انتخاب شاه‌قانونی (یعنی شاه دارای فر) از میان رعایان و یادیدارهای متعدد در جنگ بین عوض خان و احمدخان، نمونه دیگر زمانی است که احمدخان به کور اوغلو

عشق بهراه اشرف می‌رود. ولی جملگی پیروان او از توده مردم هستند. شواهدی در دست است که نشان دهنده شباهت روایت آذربایجانی حماسه کوراوغلو با Ataman Mazeppa اکرائین است (۷) دور نیست که در شکل‌گیری و تکامل حماسه کوراوغلو، نمونه‌های باستانی قهرمانان اسلامی و نیز رستم‌بی‌تأثیر نبوده باشند. با وجود این ختلافات زیاد هم در این میان به چشم می‌خورد. رستم‌همچون یک نفر شوالیه دلسپرده و وفادار به مفهوم واقعی فئودال است و حال آنکه کوراوغلو جنگاوری است که ارزشی در خور به آزادی و حرف و عمل خود قایل است (۸).

روایت کتمایز سنت‌های حماسی کوراوغلو در آذربایجان، پیوند نزدیکی با روایات گوناگون با روایت حماسی آذربایجان در این است که شخصیت‌ها حالت تاریخی اندکی دارند و بعضی از وقایع آن ساختگی است. این روایت یک روایت واقعی ترکانه است که در آن روایت نیمه تاریخی به تدریج به رمانس عامیانه رزمی تبدیل شده است.

«داستان» های کوراوغلو در آسیای میانه نیز دارای شخصیت‌های ویژه خود است. این «داستان» ها با «داستان» های کوراوغلو در آذربایجان فرق دارد. یک رشته از این داستان‌ها در آسیای میانه از آن روایت‌های ترکمنستان ازبکستان تاجیکستان و قزاقستان است. این گروه از داستان‌ها در تحول حماسی به مرحله و درجه پیشرفته‌ای دست یافته است. چون علاوه بر «داستان» ها، قصه‌های عامیانه نیز با بنمایه های حماسه را در برگرفته است. این امر و شاید هم درست به همین دلیل، موضوعات کوراوغلو نتوانسته پایگاه خود را در برابر چرخه‌های حماسی کهن‌تر قزاقستان حفظ کند و به اوج کمالی که در جاهای دیگر بدن دست یافته، دست یابد.

بنابراین روایت‌های آذربایجانی و ازبکستانی حماسه کوراوغلو را (که هر دو از معروف‌ترین آنهاست) می‌توان نمونه‌های مخالف اشکال عمومی متحول آن برشمرد. البته در مورد روایت حماسی کوراوغلوی ازبکستان باید به خاطر داشت که با اینکه چرخه‌های زیادی از خود فراموش کرده، ولی هنوز نتوانسته نظام متشکلی از سنت‌های حماسی را پدید آورد. حماسی‌های عامیانه هرگز همگون نبوده و جز به صورت عمومی هم در شخصیت‌های عمده حماسه با یکدیگر همخوانی نداشته است. در این نوع شرایط نمی‌توان انتظار

سلطان که پیشتر چوپانی می‌کرد بی سبب «نسبت پست او» اهانت می‌کند.

ارزیابی میزان کل این اثر حماسی و تمام چرخه‌های آن به دلیل اینکه از ثبت چرخه حماسی اش زمان دیرآهنگی نمی‌گذرد، دشوار است. حتی با اینکه کل «داستان» های آن بالغ بر صد هزار بیت است ولی از شمار آنها اطلاع دقیقی در دست نیست. بعضی از «داستان» ها در بردارنده شش هزار بیت و بقیه هزار بیت و یا اندک است. بنا به اعتقاد پاره‌ای افراد تعداد «داستان» های آن هم حدود بیست «داستان» است. ولی شمار آنها امکان دارد تا پنجاه هم برسد. در این داستان‌ها توده عظیمی از ادبیات شفاهی عامیانه گرد آمده است. اگر چرخه‌های کوتاه سنن عامیانه راجع به رستم، سیاوش (۳)، اسفندیار و سایر قهرمانان را به یاد بیاوریم، در این مقام تعداد حماسه‌های شفاهی عامیانه و منتقل شده تا تاجیکستان، برآستی زیاد و متنوع است. به همین دلیل است که حماسه کوراوغلو از حماسه‌های کامل و تکوین یافته برشمرده نمی‌شود. حتی اخیراً چرخه جدیدی از این حماسه که موضوع آن پاره‌ای از نهضت باسماچیان را در برمی‌گیرد، ظاهر شده است. (۴) پویایی و نامیرایی چرخه حماسه کوراوغلو از آذربایجان تا تاجیکستان، از اینجا پیداست که عزیز حاجی بیگ (۵) آن را به همراهی محمد سعید اردوبادی دراپرای معروف «کوراغولو» اجرا کرده که از اقبال عموم برخوردار شده است.

سنت‌های حماسه کوراوغلو به رغم اختلافات و تمایزات زبانی، مذهبی و تحول فرهنگی اقوام گوناگون خاور نزدیک، در تمامی مناطق این سرزمین‌ها رواج دارد.

موضوعات حماسه کوراوغلو که در بیشتر اقوام شناخته شده، در همه جا قابل دمسازی و انطباق نیست. جهات گوناگونی را که این موضوعات توسعه و تحول یافته‌اند، به راحتی می‌توان تشخیص داد. کهن‌ترین موضوع حماسه کوراوغلو در آذربایجان، بخصوص در آذربایجان، ایران به چشم می‌خورد. این موضوعات از قرار معلوم منعکس کننده زمینه واقعی رویدادهای حماسه است.

کوراوغلو در روایت آذربایجانی این حماسه، شور شگری از ترکمنستان باتبار ایللیاتی است. جفیت کوراوغلوی شجاع در نظر عامه مردم یاغی خشن نیست، بلکه فردی قدرتمند و نجیب‌زاده و دشمن اغنیاء و پشتیبان فقراست. (۶) او فقط در

بهتری داشت. ولی شرح حال حماسی به تدریج در هم تنیده شده و رفته رفته دو گونه چرخه نسبت نامه‌ای را پدید آورده است.

چنانکه اشاره رفت، چرخه «داستان» های ازبکی کوراوغلو با شخصیت محوری همچون کوراوغلو در مقایسه با روایت‌های کهن نیمه تاریخی آنها در آذربایجان از تبدیل سنت به چرخه حماسی و یا رمانس رزمی عامیانه با ویژگی‌های قصه‌گون، راه‌درازی را پیموده است.

کوراوغلوی روایت حماسی ازبک، شورشگر و خنیاگر (عاشیق) نیست، بلکه از نجیب‌زادگان اصیل و بیک ازبکی و یا ترکمنی است. او حاکم عادل سرزمین خویش است. مردم زیر سایه خردورزی و دانشوری او زندگی سعادت‌مندانه‌ای دارند و هنگامی که دشمنی به این سرزمین حمله می‌کند جز استواری مردم آن ناکامی و هزیمت چیزی نصیب نمی‌برد. بنابراین کوراوغلو در اینجا الگویی برای حکمرانان و رهبران مردم شده است. تخیل خلاقه خنیاگر و عاشیق مردمی، جغیت کوراوغلو را به گونه قهرمانان حماسی همچون شارلمانی فراموده است. همسران او خانزاده و بیگزاده نیستند، بلکه پریان دلربایی از سرزمین خیالی کویکف Kuykof هستند. حتی به خود دکوراوغلو هم قدرت‌های خارق‌العاده نسبت داده شده است. ولی این انتشارات هم تخیل بی‌کرانه را ارضا نکرده، چرا کوراوغلو در یکی از افسانه‌های مذهبی ازبک از پشتیبانی ویژه خضرنبی و چهل‌تن مقدس برخوردار شده است. سرانجام او در یکی دیگر از سنت‌های مذهبی، هنباز حضرت علی (ع) برشمرده شده.

- علی (ع) همسن بوده است. از این رو چرخه حماسی کوراوغلو در ازبکستان، به رمان عامیانه رزمی شبیه است و در ضمن در بردارنده لحن و لون عرفانی و بعضی از تحریف هاست و نیز نشانه‌هایی از مذهب تشیع دارد.

آرمان سازی شخصیت کوراوغلو در ترکمنستان شروع شد. در اینجا ضمن اینکه بعضی از چرخه‌های حماسی کهنه است، عناصر اسطوره‌ای هم وارد این چرخه‌ها شده است - مثلاً به تفسیر جدیدی از نام کوراوغلو باید توجه کرد. در روایت اصلی آذربایجان نام کوراوغلو یعنی «فرزند یک نفر کور» است، ولی در روایت ازبکستان تفسیری دیگر دارد: یعنی پسر گور. یکی از سنت‌های رایج آسیای میانه در مورد کوراوغلو این است که وی در گوری به دنیا آمد در حالی که

مادرش فوت شده بود. روایت تاجیکستان هم در این شگفت‌انگیز است. در اینجا کوراوغلو از یک سو همگون با سنت ازبکستان مفهوم «پسر گور» دارد و از دیگر سو از برای همسویی با سنت آذربایجان معنی «پسر یک نفر کور = کورزاده» دارد.

افزون بر این، این دو روایت در تاجیکستان درباره کودکی کوراوغلو افسانه‌ای دیگر دارد. اینکه پسر مادر مرده با شیر مادیان یکی از اصطبل‌های رستم زنده شد. (۸) پیدا کردن بنمایه‌های مشابه زیاد دشوار نیست - دو بنمایه خاص پیشتر پدید آمده بود:

کوروش به وسیله یک سگ ماده (۹) و روملوس و روموس (۱۰) توسط یک گرگ ماده شیر داده شدند. اینکه سنت‌های حماسی کوراوغلو در میان اقوام مختلف متحول شده از همین ویژگی‌ها روشن می‌شود. پیروان کوراوغلو در روایات متعدد آذربایجان افرادی ماجراجو (اغلب چهل‌تن) هستند که به جامعه آکنده از جور و ستم خویش پشست کرده‌اند. ولی همین افراد در روایت حماسی ازبکستان، افرادی هستند زمین‌دار و بی احساس و این خصوصیات را از پدرانشان به ارث برده‌اند. گفتنی است که ایدئولوژی روایات حماسی کوراوغلو در آذربایجان، انقلابی تر از سایر روایات حماسی آسیای میانه است. در روایات آسیای میانه گرایش توده مردم چندان شفاف و روشن نیست. ولی اندیشه موقی و عالی چرخه حماسی کوراوغلو یعنی مبارزه مردم با ستم بیگانگان، همچنان حفظ شده است.

روایات متعدد حماسه کوراوغلو به لحاظ قالب هم متفاوت است. بیشتر بخش‌های نسخه‌های کوراوغلو در آذربایجان و ترکمنستان به نثر است و حال آنکه چکامه‌های مربوط به قهرمانان داستان، منظوم است. ازبک‌ها بیشتر از بخش‌های منظوم بهره‌گرفته‌اند و قزاق‌ها نیز، ولی تاجیک‌ها به ندرت از نظم استفاده کرده‌اند. چنانکه گذشت روایات آسیای میانه از حماسه کوراوغلو را باید جزو روایات بسیار جدید برشمرد. تاریخ آنها در حقیقت به قرن هجدهم و نیمه اول قرن نوزدهم برمی‌گردد. اما پاره‌ای از وقایع که به احتمال برگرفته از چرخه‌های حماسی دیگر است، بسیار کهنه هستند. (۱۱)